



جایگاه دین و اخلاق دینی در دنیای جدید/انواع مکاتب اخلاقی

استاد مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) گفت: اگر دنیای مدرن، دین و خدا و معاد را نپسندید یا نپذیرفت، آیا ما هم باید چنان کنیم؟! چنین منطقی همان منطق دشمنان دین و مردمان عصر جاهلیت است.

استاد مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) گفت: اگر دنیای مدرن، دین و خدا و معاد را نپسندید یا نپذیرفت، آیا ما هم باید چنان کنیم؟! چنین منطقی همان منطق دشمنان دین و مردمان عصر جاهلیت است.

به گزارش خبرنگار مهر، حجت الاسلام والمسلمین احمدحسین شریفی استاد مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) از پژوهشگران عرصه اخلاق، عرفان و علوم انسانی اسلامی است که در این گفتگو به سوالات و مسائل مبتلابه جامعه ما در حوزه اخلاق پاسخ داده است. کتاب «آئین زندگی (اخلاق کاربردی)» کتاب سال حوزه (۱۳۸۵)، «خوب چیست؟ بد چیست؟»، «موج فتنه؛ از جنگ جمل تا جنگ نرم» و «درآمدی بر عرفان حقیقی و عرفان های کاذب» و کتابهای «مبانی علوم انسانی اسلامی»، «روش شناسی علوم انسانی اسلامی»، «نظریه پردازی در علوم انسانی اسلامی» از جمله مهمترین آثار اوست.

*آقای دکتر! بسیار اتفاق می افتد که ما بسیاری از مسائل را می دانیم و معتقد هستیم خوب و مفید و آموزنده است و بر روی ما تأثیرگذار است اما علی رغم اینکه می دانیم برخی از کارها برای ما خوب و مفید هستند، نمی توانیم از نظر عملی و عملیاتی آنها را به مرحله انجام برسانیم؟

ردائل اخلاقی ممکن است موجب شود انسان علیرغم فهم و درک واقعیت ها، زندگی خود را بر اساس آنها سامان ندهد و به دانسته های خود عمل نکند. قرآن کریم این حقیقت را در جاهای مختلفی متذکر شده است. فی المثل، درباره بیان علت نوع مواجهه فرعون و قوم فرعون با حضرت موسی و عدم ایمان به او علیرغم مشاهده همه آیات الهی و معجزاتی که از سوی حضرت موسی ابراز شد، و علیرغم «علم» و «یقین» به حقانیت موسی، می فرماید: وَجَحَدُوا بِهَا وَاسْتَيْقَنَتْهَا أَنْفُسُهُمْ ظُلْمًا وَ غُلُوًّا فَأَنْطَرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُفْسِدِينَ؛ (نمل / آیه ۱۴) و آن را از روی ظلم و سرکشی انکار کردند، در حالی که در دل به آن یقین داشتند! پس بنگر سرانجام مفسدان چگونه بود!

بر اساس این آیه، دو یا سه رذیله اخلاقی یعنی «ستمگری»، «برتری جویی» و «فسادانگیزی»، موجب شدند که علیرغم علم و یقین به حقانیت موسی، به او ایمان نیاورند و او را نپذیرند.

قرآن کریم در آیه دیگر، «هوای نفس» را عامل ناکارآمدی علم دانسته، می فرماید عده ای علیرغم علم به حقیقت، به دلیل تبعیت از هواهای نفسانی، راه ضلالت را در پیش گرفته اند: «أَفَرَأَيْتَ مَنْ اتَّخَذَ إِلَهَهُ هَوَاهُ وَأَصْلَتْهُ اللَّهُ عَلَىٰ عِلْمٍ وَ خَتَمَ اللَّهُ عَلَىٰ سَمْعِهِ وَ قَلْبِهِ وَ جَعَلَ عَلَىٰ بَصَرِهِ غِشَاوَةً فَيَمْشِي فِي سُلُوكٍ سَلِيلٍ» (جاثیه / آیه ۲۳) آیا دیدی کسی را که معبود خود را هوای نفس خویش قرار داده و خداوند او را با آگاهی (بر اینکه شایسته هدایت نیست) گمراه ساخته و بر گوش و قلبش مهر زده و بر چشمش پرده ریخته؛ ای افکنده است؟!»

دیدگان اندیشه زمانی می توانند به جمال حقیقت روشن شوند که گرد و غبار امیال و خواسته های حیوانی و نفسانی، بر چهره آن ننشسته باشد و از اسارت و بردگی وهم و خیال رهیده باشد. به تعبیر زیبای سعدی:

حقیقت سرایی است آراسته

هوا و هوس گرد برخاسته

نبینی که هر جا که برخاست گرد

نبیند نظر گر چه بیناست مرد

دیدگان اندیشه زمانی می توانند به جمال حقیقت روشن شوند که گرد و غبار امیال و خواسته های حیوانی و نفسانی، بر چهره آن ننشسته باشد و از اسارت و بردگی وهم و خیال رهیده باشد

*مسئله شناسی اولین قدم در راه حل مسئله است، یعنی اول باید مسائل خود را شناسیم تا بعد اقدام به حل آنها کنیم. اخلاق در زمینه مسئله شناسی ما چقدر می تواند به ما کمک کند؟

نخستین گام هر نوع و هر سطحی از تحقیق علمی، مسئله شناسی و انتخاب مسئله تحقیق است. مسائل بی شماری در عالم وجود دارد، اما همه آنها برای تحقیق انتخاب نمی شوند. هر محقق مسئله یا مسائل خاصی را برای پژوهش خود انتخاب می کند.

انتخاب مسئله را نمی توان ضابطه مند کرد؛ زیرا متأثر از شبکه ای از عواملی غیراختیاری و غیرانتخابی مثل عوامل محیطی، سازمانی، جغرافیایی، تاریخی، اجتماعی و امثال آن است؛ اما جای این سوال هست که از میان انبوه مسائل موجود، چرا مسئله یا مسائل خاصی از سوی یک محقق برای تحقیق و بررسی انتخاب می شود و چرا بعضی از مسائل آگاهانه یا ناآگاهانه از سوی یک محقق طرد می شوند؟

عامل اصلی انتخاب یک مسئله، «نیاز» است؛ اعم از نیازهای درونی (یعنی نیازهای قوای مختلف انسانی) و نیازهای بیرونی که به یک معنا بازگشت به همان نیازهای درونی می کنند. از ابتدایی ترین شناخت و ادراک ها و دانش های آدمیان تا پیچیده ترین آنها همگی معلول «نیاز» اند، اعم از نیازهای واقعی یا پنداری.

«نیاز» هم، به عنوان نخستین عامل حرکت علمی، حقیقتی «وابسته» است. معلول و محصول عوامل غریزی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، روانی، ارزشی و حتی اقلیمی است. در این میان، یکی از مهم ترین عوامل تأثیرگذار در شکل گیری یک نیاز، عوامل اخلاقی است. تخلق به فضائل و دوری از رذائل اخلاقی نیازهای ما را به سمت و سویی خاص جهت دهی می کنند.

نقش اخلاق در این مرحله از فرایند پژوهش و نظریه پردازی، به این شکل است که اخلاق فاضله، با تعدیل قوای مختلف درونی، موجب می شود، نیازهای قوای آدمی نیازهایی واقعی باشند. اخلاق فاضله موجب می شود، مسیر حرکت علمی و فرایند تشخیص نیازهای واقعی، به انحراف کشیده نشود، زیرا اگر قوای انسانی به درستی تعدیل نشوند یا توجه ناعادلانه ای به برخی از آنها شود، و برخی دیگر نادیده گرفته شوند، انحراف در اندیشه رخ خواهد داد.

از طرفی، توجه ویژه به احساسات و امیال و خواسته های شهوانی و غضبی موجب برجسته سازی غیرواقعی نیازها و خواسته های حیوانی و متدانی خواهد شد و به تبع آن مسائل تحقیقی نیز از همان سنخ خواهند شد و در نتیجه مسیر علم و تحقیقات علمی در خدمت توسعه بُعد حیوانی انسان خواهد بود. اما اگر شهوت و غضب در خدمت عقل قرار گیرند و خواسته ها و نیازهای آنها، خواسته ها و نیازهایی عقلانی شود، در آن صورت مسائل علمی نیز در خدمت توسعه عقلانیت، حکمت و انسانیت خواهند بود.

*اخلاق و غایت شناسی در هدف علم و پژوهش ها چقدر تأثیرگذارند؟

هیچ فعالیت اختیاری بی هدفی امکان تحقق ندارد. هدف، چیزی است که امکان صدور کنش های اختیاری را فراهم می کند. البته صدور کنش های اختیاری متوقف بر توجه آگاهانه به هدف نیست؛ اما بدون وجود هدف هم امکان تحقق ندارند.

نظریه پردازی و تولید علم نیز همچون سایر کنش های اختیاری انسان دارای غایت اند. کسی که غایت زندگی خود را لذت جسمی و بدنی قرار داده باشد، طبیعتاً همه افعال اختیاری خود و از جمله علم اندوزی و نظریه پردازی را هم برای همین غایت می خواهد. یا کسی که غایت زندگی خود را کسب قدرت قرار داده باشد، همه علوم تولیدی او نیز در ارتباط با همین هدف خواهند بود. به همین ترتیب، کسی که غایت زندگی خود را فلاح و سعادت اخروی قرار داده باشد، اندیشه ورزی و نظریه پردازی او نیز با همین هدف گره خواهد خورد. بنابراین، اخلاق شهوت محور، اندیشه شهوت محور را شکل می دهد؛ و اخلاق خشم محور، اندیشه قدرت گرایانه و سلطه جویانه را سامان می دهد؛ و اخلاق خدامحور و خردگرا، اندیشه ای توحیدی و خردگرایانه را شکل می دهد، البته روشن است که اگر هدف نهایی را خدایی شدن دانستیم، حتماً به لذت و سود و قدرت و امنیت روانی و محبوبیت اجتماعی و امثال آن هم توجه داریم. به تعبیر دیگر، چنین اهدافی در اخلاق اسلامی، اهداف میانی اند.

*اخلاق به چه مکاتبی تقسیم می شود؟

مکاتب اخلاقی را از یک جهت به سه دسته فضیلت گرایی، وظیفه گرایی و پیامدگرایی تقسیم می کنند: در فضیلت گرایی، معیار خوبی و بدی یا بایستگی و نبایستگی یک صفت یا فعل، نیت عامل و کنش گر است. نه خود عمل و نه نتایج و پیامدهای حاصل از آن. خوبی یا بدی یک کار به این است که از چه کسی صادر شده است. مثلاً ممکن است دو نفر در یک واقعه ای راست بگویند، اما یکی به انگیزه فسادانگیزی و اختلاف افکنی و دیگری به انگیزه کشف حقیقت و اصلاح. راست گویی اولی از مصادیق رذیلت اخلاقی است و راستگویی دومی از مصادیق فضیلت اخلاقی. نظریه اخلاقی سقراط، افلاطون، ارسطو، رواقیان و اپیکوریان در یونان باستان را می توان از بارزترین مصادیق اخلاق فضیلت یا مکتب فضیلت گرایی دانست. در دوران اخیر توسط پاره ای از فمینیست ها نظریه جدیدی در دل مکتب فضیلت گرایی مطرح شده است با عنوان نظریه اخلاق مراقبت که نخستین بار توسط کارول گیلیگان مطرح شد.

در وظیفه گرایی، معیار خوبی و بدی تطابق با وظیفه است. هر کاری که مطابق وظیفه باشد خوب و هر کاری که مطابق وظیفه نباشد بد است. صرف نظر از اینکه ذات آن عمل چه اقتضائی دارد و یا صرف نظر از اینکه چه نتایج و پیامدهای را به دنبال دارد. رگه هایی از این مکتب در دوران یونان باستان و عصر سقراطی مطرح شد؛ اما در دوران اسلامی این ایده با عنوان نظریه حسن و قبح الهی توسط اشاعره با قوت و شدت بیشتری مطرح شد و در قرن هجدهم امانوئل کانت (۱۷۲۴-۱۸۰۴)، فیلسوف پرآوازه آلمانی با تفصیلی بیشتر نظریه دیگری را در قلمرو مکتب وظیفه گرایی مطرح کرد.

مکتب پیامدگرایی یا نتیجه گرایی که مدافعانی چون جرمی بنتام و جان استوارت میل داشت بر این باور است که معیار درستی یا نادرستی و خوبی یا بدی یک فعل یا صفت، نتایج و پیامدهای حاصل از آن است؛ یعنی خود یک فعل، فی نفسه، بار ارزشی ندارد؛ بلکه این نتایج اند که مشخص می کنند یک فعل خوب بوده است یا بد. که جرمی بنتام با طرح نظریه لذت گرایی و جان استوارت میل با طرح نظریه سودگرایی دو نظریه مهم در قلمرو مکتب پیامدگرایی را مطرح کردند.

هیچ فعالیت اختیاری بی هدفی امکان تحقق ندارد. هدف، چیزی است که امکان صدور کنش های اختیاری را فراهم می کند. البته صدور کنش های اختیاری متوقف بر توجه آگاهانه به هدف نیست؛ اما بدون وجود هدف هم امکان تحقق ندارند

***جدیدا در مورد اخلاق کاربردی صحبت می کنند، منظور از اخلاق کاربردی چیست؟**

اخلاق کاربردی دانشی نوپدید اما بسیار پویاست. علیرغم عمر کوتاهی که از آن می گذرد توانسته است افزون بر نشان دادن جذابیت خود برای محققان، گره های علمی و عملی فراوانی را باز کند.

تاکنون نیز کتاب ها و مجلات بسیار متنوعی به چاپ رسیده است. حتی دائرةالمعارف هایی نیز در این موضوع به زبان انگلیسی تدوین شده اند. مراکز و مؤسسات مختلفی با عنوان اخلاق کاربردی یا در خصوص برخی از موضوعات و مسائل آن، مثل اخلاق محیط زیست، اخلاق زیستی، اخلاق پزشکی و امثال آن شکل گرفته است.

در عین حال، به دلیل تأثیرپذیری شدید اخلاق کاربردی از مبانی و معیارهای ارزش دآوری، بسیاری از تحقیقات موجود به دلیل تأثیرپذیری از مبانی لیبرالیستی و سکولاریستی و به طور کلی به دلیل بی ارتباطی با مبانی فکر اسلامی، نه تنها گره ای از گره های علمی یا عملی جامعه ما را باز نمی کند که حتی ممکن است انحرافات نظری و عملی زیادی هم ایجاد کند. هر گونه غفلت یا سستی در این عرصه ممکن است اخلاقیات و سبک زندگی بخش های مختلفی از جامعه ما را به انحراف بکشاند و خسارت های جبران ناپذیری را به دنبال آورد. به همین دلیل، اخلاق کاربردی را از جمله دانش هایی می دانیم که در اولویت اسلامی سازی اند.

بر همین اساس، معاونت پژوهش مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) از سال ۱۳۸۶ تصمیم گرفت به صورت بنیادین و محققانه، آن گونه که از این مؤسسه انتظار می رود، در این عرصه وارد شود و رسالت خود را انجام دهد.

به همین منظور دانشنامه اخلاق کاربردی برای نخستین بار در پنج جلد توسط مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی چاپ شد؛ این اثر زیر نظر بنده و با همکاری حدود ۲۰ نفر از پژوهشگران تدوین شده است. این کتاب که در پنج جلد منتشر شده است مشتمل بر ۴۰ فصل است که افزون بر مباحث نظری و بنیادین در حوزه اخلاق کاربردی، مهم ترین مسائل اخلاق زیستی، (مثل شبیه سازی انسانی، سقط جنین، قتل ترحمی، برخورد کالاگونه با اعضای بدن انسان و امثال آن)، اخلاق فراغت و گردشگری، (مثل اوقات فراغت، شادی و نشاط، گردشگری، زیارت، محیط زیست)، اخلاق حاکمیت و سیاست (مثل رابطه اخلاق و سیاست، اخلاق در مدیریت و سازمان، اخلاق و اقتصاد، اخلاق جنگ و صلح و اخلاق انتخابات) و اخلاق علم و فرهنگ (مثل اخلاق پژوهش، نقد، مناظره، رسانه، روزنامه نگاری، همسایگی و اخلاق خانوادگی) را مورد بحث و بررسی قرار دهد.

مطالعه این مجموعه را به همه علاقه مندان به مطالعات اخلاق کاربردی توصیه می کنم.

*دین و اخلاق دینی در دنیای جدید چه جایگاهی دارد؟

بسیاری از روشنفکران ما در وصف جهان جدید و دنیای مدرن سخن ها گفته و می گویند. اوصاف و ویژگی های فراوانی برای مدرنیته و انسان مدرن و اخلاق مدرن و به طور کلی برای جهان مدرن برمی شمارند، مثلاً در حوزه اخلاق می گویند «مهمترین ویژگی اخلاق در دنیای جدید این است که اخلاق در این دنیا «سکولار» / «فرادینی» شده، یعنی از جمیع جهات، به جز جهت تاریخی، از دین مستقل شده است. و سکولار شدن اخلاق هم به معنای سکولار شدن «اندیشه های» اخلاقی است و هم به معنای سکولار شدن «انگیزه های» اخلاقی» [اخلاق دین شناسی، فنایی، ص ۱۵۷] و...

و از این همه، بدون هیچ دلیل و برهان و استدلالی به گونه ای سحرآمیز چنین نتیجه می گیرند که پس باید دست از فرهنگ دینی و قرآنی و اسلامی خود بشوئیم و تابع فرهنگ عصر زمانه خود شویم؛ باید از آموزه ها و معارف قرآنی که به زعم اینان مربوط به جهان قدیم است دست برداریم و از آموزه ها و قوانین غربی که مربوط به جهان جدید است تبعیت کنیم! و بالاخره باید دست از اخلاق دینی بشوئیم و تابع اخلاق سکولار باشیم!

منظور این آقایان از دنیای جدید و انسان جدید هم فقط مردم اروپا و آمریکا است. آن هم نه همه آنها، چرا که دینداران و معتقدان به اخلاق دینی در آن کشورها نیز فراوان اند. از نگاه این آقایان مردم سایر کشورها و نوع نگاه آنان به اخلاق هیچ ارزشی ندارد؛ مثلاً مردم چین و هند یعنی جمعیتی بیش از یک سوم جمعیت جهان که فقط در این دو کشور زندگی می کنند، از نگاه این آقایان مردم نیستند. جمعیت حدود دو میلیاردی مسلمانان در جهان هم که از نگاه این آقایان اساساً مردم به شمار نمی روند!

فقط چشم آبی های ملحد یا سکولار اروپا و آمریکا برای آنها مهم هستند و الگوی زیست آنها را (که بارها و بارها آلودگی و غیرانسانی بودن خود را نمایان کرده است)، می خواهند به عنوان الگوی معیار برای همه جهانیان و از جمله مسلمانان و به ویژه ایرانیان تجویز کنند!

افزون بر این، گیریم که اوضاع همان گونه باشد که شما می گوئید، آیا پسند و ناپسند انسان مدرن و دنیای مدرن، دلیلی بر حقانیت و درستی است؟! اگر دنیای مدرن، دین و خدا و معاد را نپسندید یا نپذیرفت، آیا ما هم باید چنان کنیم؟! چنین منطقی همان منطق دشمنان دین و مردمان عصر جاهلیت است، که پیامبران به شدت با آن مبارزه می کردند و از مردم می خواستند از حق و حقیقت پیروی کنند. نو یا کهنه بودن و پذیرش اکثریت یا نپذیرفتن آنها هرگز دلیل بطلان یا حقانیت نیست.

یکی از عمده ترین معضلات خبررسانی در کشور ما، وجود خبرنگاران یا گزارش گران غیرحرفه ای است. وقتی یک خبرنگار غیرحرفه ای و غیرمتخصص از یک همایش، نشست یا سخنرانی علمی گزارشی را برای خبرگزاری متبوع خود تهیه می کند، در بسیاری از موارد به دلیل عدم آشنایی با اصطلاحات فنی و تخصصی، ناخواسته گزارش هایی خلاف واقع، ارسال می کند

*ما به عنوان خبرنگار و اهالی رسانه چه اخلاق را باید رعایت کنیم؟

یکی از آفات بزرگ اخلاقی در عرصه زیست اجتماعی، ترتیب اثر دادن و اعتماد کردن به اخبار بی ریشه و بی مبدا است. اعتماد به چنین اخباری از مهمترین عوامل اخلاق زدایی در حیات فردی و اجتماعی است.

قرآن کریم، پیروان خود را از اعتماد به خبر فاسقان برحذر داشته و به آنان دستور می دهد که اگر خبری را از افراد فاسق شنیدید، پیش از ترتیب اثر دادن حتماً درباره درستی یا نادرستی آن تحقیق کنید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن جَاءَكُمْ فَاسِقٌ بِنَبَأٍ فَتَبَيَّنُوا أَن تُصِيبُوا قَوْمًا بِجَهَالَةٍ فَتُصْحَبُوا عَلٰیٰ رِءْسِهِ مَا فَعَلْتُمْ نَادِمِينَ&rlm» (حجرات/۶)

اما گسترش وسایل اطلاع رسانی و شبکه های اجتماعی، زمینه ای را فراهم کرده است که انسان ها در دریایی از اخبار و اطلاعاتی غرق شوند که در بسیاری از موارد منشأ و مبدا اصلی آنها را اساساً نمی شناسند.

یکی از مهم ترین تکنیک های جنگ رسانه ای دشمنان جمهوری اسلامی، علیه ایران، اسلام و ارزش های انقلاب

اسلامی، انتشار اخبار بی ریشه درباره شخصیت ها، نهادها، و گروه های مدافع انقلاب و ارزش های اسلامی است.

بعضاً مشاهده می شود کسانی که رسانه و تربیونی در اختیار دارند، بر اساس همین اخبار بی ریشه، به تحلیل پرداخته و آبروی انسان های مؤمنی را (که همسطح آبروی پیامبر اسلام و اهل بیت، بیت المقدس و بیت الحرام دانسته شده است) به آسانی می ریزند!

پیامبر اکرم (ص) در ضمن سفارش هایی که به ابوذر غفاری داشتند، فرمودند: «برای دروغ گو بودن فرد همین اندازه کافی است که هر چه را می شوند، بازگو نمایند؛ گَفَى يَالْمَرْءُ كَذِبًا أَنْ يَحْدِثَ يَكُلَّ مَا سَمِعَ» (وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۱۸۸)

راه نجات از این بلیه چند تاست:

۱. انتخاب منابع خبری سالم و صالح؛

۲. بی اعتمادی به اخبار دشمنان ایران و اسلام؛ و باور به اینکه خدایان رسانه های نوین، یعنی غربیان و صهیونیست ها، هرگز خیرخواه ملت ما نبوده و نیستند؛

۳. باور به وجود جنگ رسانه ای دشمنان دین علیه اسلام و انقلاب اسلامی؛ (برای آگاهی بیشتر در این مورد به کتاب جنگ نرم، نوشته اینجانب مراجعه کنید)

۴. بالابردن سواد رسانه ای خود و شناخت تکنیک های جنگ رسانه ای.

صرف نظر از اغراض سیاسی و حزبی و اهداف قدرت طلبانه، که خود منشأ جعل و انتشار بسیاری از اخبار دروغین از قول شخصیت های سیاسی و فرهنگی و افراد تأثیرگذار در کشور ما است؛ یکی از عمده ترین معضلات خبررسانی در کشور ما، وجود خبرنگاران یا گزارش گران غیرحرفه ای است. وقتی یک خبرنگار غیرحرفه ای و غیرمتخصص از یک همایش، نشست یا سخنرانی علمی گزارشی را برای خبرگزاری متبوع خود تهیه می کند، در بسیاری از موارد به دلیل عدم آشنایی با اصطلاحات فنی و تخصصی، ناخواسته گزارش هایی خلاف واقع، ارسال می کند.

این مسأله در گام اول منشأ سوء تفاهم و سوء برداشت نسبت به آن صاحب نظر می شود و البته در مراحل بعدی، آرام آرام، موجبات بی اعتمادی به اخبار چنان رسانه هایی را به دنبال خواهد داشت، امری که متأسفانه هم اکنون در کشور ما پدید آمده است.

بنده شخصاً به هیچ یک از اطلاعاتی که خبرگزاری های سیاسی درباره همایش ها و نشست های علمی ارائه می دهند اعتمادی ندارم و به همین دلیل هرگز در هیچ مقاله یا کتابی به اخبار آنها استناد نداده و نخواهم داد؛ مگر آنکه مقاله ای کامل از یک نویسنده را منتشر کنند (آن هم با ذکر منبع).

به امید روزی که شاهد خبرگزاری های اختصاصی و با خبرنگاران حرفه ای فراوانی در موضوعات مختلف علمی و اجتماعی باشیم.